اخبار

چشمه هفت هزارساله تهران کامل خشک شد

تصاویری از چشمه علی شهرری در استان تهران منتشر شده که نشان می‌دهد این چشمه هفت‌هزارساله خشک شده است. بررسی میدانی ایسنا نیز خشک شدن حوضچه‌های این چشمه را که اکنون محل انباشت زباله شده است، تایید می‌کند. چشمه علی شهر ری تابستان‌ها محل شنا و بازی کودکان بود، اما با خشک شدن این چشمه، که برخی قدمت آن را تا هشت‌هزار سال تخمین زده‌اند، دیگر خبری از کودکان نیست. هفته گذشته حسن خلیل‌آبادی، عضو سابق شورای شهر تهران ویدئویی از چشمه علی شهر ری منتشر کرد که نشان می‌داد کامل خشک شده است. کودکانی که زمانی این چشمه محل گذران تعطیلات بلند تابستانی‌شان بوده، به ایسنا می‌گویند از ابتدای سال، آب چشمه علی کمتر و کمتر شد تا اینکه در نیمه‌های تابستان دیگر از آب ردی دیده نشد و چشمه کامل خشک شد. چندی پیش نیز، معاون پدافند غیرعامل سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران تایید کرد که موضوعاتی نظیر احداث خط ۶ مترو تهران، چاه‌های برداشت آب، گودبرداری‌های صورت‌گرفته ناشی از ساخت‌وساز و همچنین اجرای سیستم اگوی شهری از عوامل خشک شدن این چشمه هفت‌هزارساله بوده است؛ موضوعاتی که فعالان میراث فرهنگی بارها درباره نقش آن‌ها در خشک شدن این میراث طبیعی هشدار و اخطار داده بودند، درحالی که برخی مسئولان، با انکار نقش مترو در خشک شدن این چشمه، «خشکسالی» را تنها دلیل خاموش شدن‌های مقطعی چشمه هفت‌هزارساله می‌دانستند. چشمه علی نخستین اثر ثبت‌شده طبیعی شهرری و سومین اثر طبیعی ثبت‌شده استان تهران است که تا کنون سه بار خشک شده است، اما در دوره‌های پیشین در بخش‌هایی از حوضچه‌های آن همچنان آب مشاهده می‌شد، اما این‌بار حوضچه‌ها کامل خشک شده و زباله روی رد آب نشسته است. این چشمه یک بار اوایل دهه ۹۰ تا مرز خشکی پیش رفت و دومین بار با آغاز فعالیت‌های پروژه خط ۶ مترو تهران، بار دیگر دِبی آب پایین آمد، چون کارشناسان میراث فرهنگی معتقد بودند با حفر تونل و فعالیت دستگاه (TBM) مترو، آب چشمه مسیر خود را تغییر داده است، تا این‌که با اعتراضِ فعالان میراثی و مردم بومی منطقه فعالیت مترو متوقف شد و قدری سطح آب بالا آمد. در سال ۹۶ با پیگیری‌های میراث فرهنگی، شهرداری و شورای شهر تهران و ری شرایط چشمه قدری بهتر شد، اما از اواخر بهار سال ۱۴۰۲ چشمه علی دوباره رو به خشکی رفت و اکنون به طور کامل خشک شده، این درحالی است که مسئولان میراث فرهنگی تهران و ری در چند ماه گذشته و همزمان با انتشار خبرهایی از وقوع خشکی در چشمه علی در رسانه‌های مختلف، واکنشی به واقعه نشان نداده و پاسخگوی تماس‌های خبرنگاران هم نبوده‌اند.

به بهانه روز سینما

برای سینمایی که دوستش داریم!

۲۱ شهریور ماه روز سینما در ایران است، سینمایی که تاریخ تولدش در ایران مورد بحث است؛ فریدون جیرانی گفته است: «در ایران باید مقطعی که «مظفرالدین شاه» دستگاه سینماتوگراف را خریداری کرد به عنوان تاریخ سینما به حساب آورد.» و عباس بهارلو پژوهشگر سینما هم چند سال قبل یادآور شده است: «اگر مبنا را روز فیلمبرداری از «جشن روز عید گل» در نظر بگیریم، عمرش به ۱۲۰ سال می‌رسد و اگر مثلاً ساخته شدن نخستین فیلم ظاهراً داستانی سینمای ایران، یعنی «آبی و رابی» (آوانس اوگانیانس، ۱۳۰۹) را مبنا قرار دهیم، عمرش به ۹۰ سال هم نمی‌رسد.»

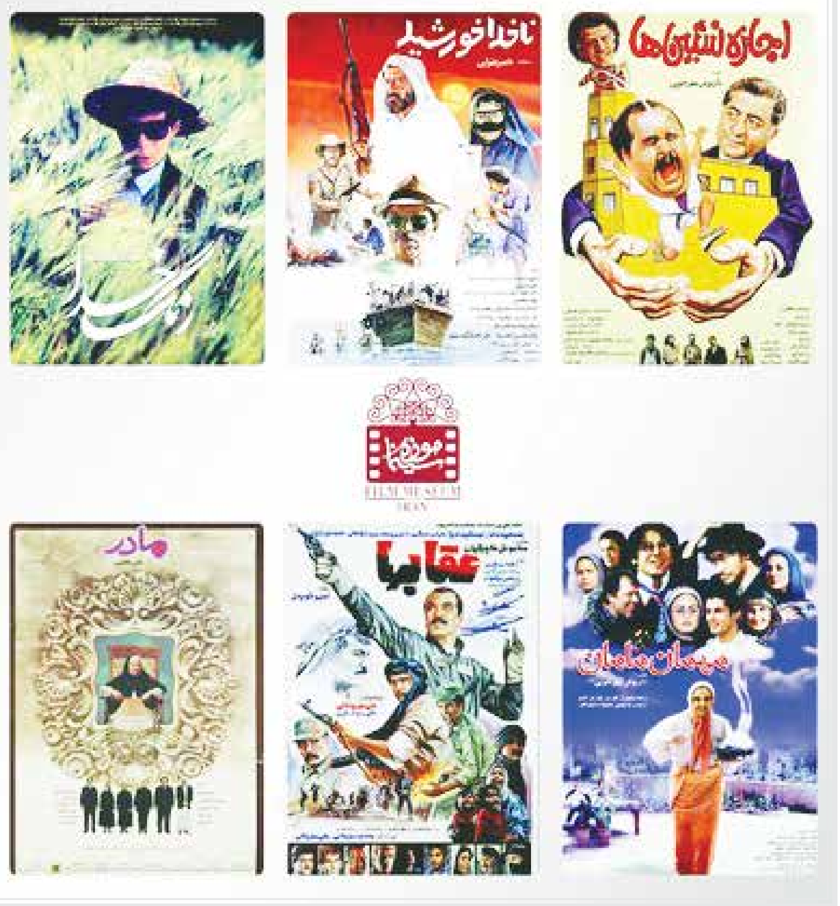

پیش از اینکه فیلم «قرمز» را بسازم، ۱۰ سال از عمرم را در کتابخانه ملی، دانشگاه تهران و مجلس گذراندم تا گذشته‌سینمای ایران را بررسی کنم

به گزارش ایسنا، در سال ۹۲ به مناسبت روز سینما به سراغ فریدون جیرانی رفتیم که علاوه بر فیلم‌سازی، پیگیر تاریخ سینما هم هست، از او پرسیدیم «می‌خواهیم به عنوان سینماگری که پیگیر تاریخ سینمای ایران هستید با شما صحبت کنیم، سینمای ایران در حال حاضر چند سال دارد؟ چه مقطع تاریخی را باید به عنوان تولد سینما در ایران به حساب آورد؟» که این سینماگر پاسخ داد: در سالی که جشن ۱۰۰ سالگی سینما در ایران توسط خانه سینما برگزار شد، ظاهراً دوستان برگزارکننده‌ی آن جشن، تاریخ تولد سینما در ایران را مقطعی درنظر گرفتند که مظفرالدین شاه از خارج از ایران دوربین خرید و عکاس‌باشی فیلمبرداری کرد و بعد هم که مظفرالدین شاه به ایران بازگشت با همان دوربین فیلمبرداری کردند و اولین سینما در دربار راه افتاد.

اما اگر تاریخچه سینما در مصر، ترکیه و کشورهای دیگر را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که بعد از دو سال از اختراع سینما، سالن‌های سینما در داخل شهرهایشان ساخته می‌شود و مردم می‌توانند بلیت خریداری کنند و از فیلم‌ها دیدن کنند. به عبارتی سینما بلافاصله وارد مردم می شود اما سینما در ایران دیر به شهر و مردم می رسد.

بعد از چند سال از ورود سینما به دربار یا بهتر بگویم ورود سینما به دربار مظفرالدین شاه، تاجری در «ارباب جمشید» فعلی یک سالن سینما می‌سازد که مدت کوتاهی دوام می‌آورد. از این منظر مقایسه‌ی فاصله‌ی ورود سینما به میان مردم ایران با دنیا را می‌توان تفاوت تاریخ سینمای ایران با کشورهای مختلف دانست.

البته عده‌ای سال ۱۳۰۹ که اولین تولید سینمای ایران با فیلم «آبی و رابی» شروع می‌شود را مقطع تولد سینما در ایران می‌دانند. اما معمولاً در دنیا تاریخ سینما را از تاریخ تاسیس سالن سینما به حساب می‌آورند، چون تولیدات در همه جای دنیا، بعدا شکل می‌گیرد. در کشورهای هند، مصر و ترکیه نیز ابتدا سالن سینما ساخته شد و بعد از آن فیلم های خارجی وارد و بعدتر هم تولید فیلم را راه‌اندازی می‌کنند.

در ایران باید مقطعی که «مظفرالدین شاه» دستگاه سینماتوگراف را خریداری کرد را به عنوان تاریخ سینما به حساب آورد که با این روند تا به امروز بیش از صد سال از آن مقطع تاریخی گذشته است.

این سینماگر همچنین در بخش دوم این گفت‌وگو در پاسخ به اینکه چقدر منابع تاریخی موجود به واقعیت تاریخ سینمای ایران نزدیک هستند؟ یادآور شده بود: من در دهه ۷۰ پیش از اینکه فیلم «قرمز» را بسازم، ۱۰ سال از عمرم را در کتابخانه ملی، دانشگاه تهران و مجلس گذراندم تا گذشته سینمای ایران را بررسی کنم. البته کتاب بسیار مفیدی به نام «تاریخ سینمای ایران» نوشته جمال امید وجود دارد که بسیار مفید هم است اما همان کتاب نشان می‌دهد که مورخ در بخش‌هایی با کمبودهایی روبرو بوده است که نتوانسته منابعی درباره‌ی آنها پیدا بکند تا خلاءهای موجود در کتابش را پر کند.

چون هیچ مصاحبه جامع و کاملی در گذشته یا حال با سازندگان فیلم و هنرمندان مختلف وجود ندارد. من تلاش کردم تعدادی از هنرمندان گذشته را پیدا کنم و با آنها صحبت کنم اما تا به نقطه گفتگو می‌رسیدیم در بسیاری از نقاط مبهم، از آن مسائل گذر می‌کردند یا در شرایط فعلی ترجیح می‌دادند که به آن اشاره نکنند. در حالیکه در تمام دنیا، فیلمسازان و بازیگران بسیار صریح مصاحبه می‌کنند و همین گفت‌وگوها، سند تاریخی مورخانی می‌شود که درباره آنها می‌نویسند.

من اگر بخواهم درباره روح‌انگیز سامی‌نژاد اولین بازیگر زن سینمای ایران که یک مقاله هم درباره آن نوشتم، بنویسم به کجا باید مراجعه کنم؟! جز مصاحبه تصویری آقای تهامی‌نژاد در فیلم «از مشروطیت تا سپنتا» و نظرات پراکنده سامی‌نژاد هیچ اطلاعات دیگری پیدا نمی‌کنید!

یک بازیگر زن دیگری داریم به نام ایران قادری که از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۴ _ ۳۵ ستاره تئاتر ایران بوده است و اگر از آقای انتظامی هم بپرسید ستاره تئاتر ایران چه کسی بوده است؟ او قادری را معرفی می‌کند.

ایران قادری بعدها در فیلم‌های فارسی، مادر فردین می‌شود و بعد هم در دهه ۶۰ در گمنامی از دنیا می‌رود اما من جایی ندیدم که مصاحبه‌ای با او انجام شده باشد و درباره‌ی زندگی‌اش صحبت کرده باشند. ایران دفتری هم داریم که به اندازه ایران قادری در حوزه تئاتر شهرت نداشته است اما با او هم مصاحبه‌های اندکی وجود دارد.

چند سال قبل هم از عباس بهارلو پژوهشگر سینما پرسیدیم که آیا مبنای تاریخی درنظر گرفته‌شده برای سینمای ایران درست است و واقعاً حدود ۱۲۰ سال از عمر این سینما می‌گذرد، ضمن اینکه اصلاً بر چه اساسی ۲۱ شهریور به نام روز ملی سینما نامگذاری شده است، گفته بود: من پیش از این هم چند بار در این‌باره گفته و نوشته‌ام. راستش را بخواهید انتخاب این روز، بویژه ۲۱ شهریور، هیچ مبنای درست و دقیقی ندارد؛ روزی است که ظاهراً به شکل «سمبلیک» به عنوان روز ملی سینما در ایران انتخاب شده است زیرا در این روزِ بخصوص در سینمای ایران هیچ اتفاق خاصی رخ نداده که مبنایی برای روز ملی سینما باشد. توضیح بیشترش این است که ظاهراً قرار بوده روزی که میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی برای بار نخست پشت دوربین فیلمبرداری قرار گرفت و مراسم «جشن عید گل» را فیلمبرداری کرد، یعنی شنبه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ قمری برابر با ۲۷ اسد (مرداد) ۱۲۷۹ شمسی یا ۱۸ آگوست ۱۹۰۰ میلادی، به عنوان «روز ملی سینمای ایران» در نظر گرفته شود و مسئولانی که برای نامگذاری روزهای خاص تصمیم می‌گیرند، ظاهراً به دلیل خلوت بودن ۲۱ شهریور این روز را به عنوان روز ملی سینمای ما تعیین فرموده‌اند؛ به همین سادگی و سهولت.

۲۶ سال قبل که شورای برگزاری جشن «خانه‌ی سینما» متشکل از ابوالحسن داوودی، اکبر نبوی، احمدرضا درویش، محمدرضا مویینی و منوچهر شاهسواری بودند، مقرر کردند که یک روز در سال با عنوان «روز سینما» نامگذاری شود.

آن زمان (تیر ماه ۷۶) ابوالحسن داوودی به خبرنگاران گفته بود: «مقرر شد که یک روز از سال با عنوان ”روز ملی سینما“ نامگذاری و جشن سینما همزمان با آن روز برگزار شود. البته قرار است ۳۱ اردیبهشت هر سال را با عنوان ”روز ملی سینما“ ارج نهیم و این موضوع را به شورای عالی فرهنگ ارایه کردیم و در صورت موافقت و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، رسما می‌توانیم هر ساله جشن خانه سینما را همزمان با این روز برگزار کنیم.»

دو سال بعد ۲۱ شهریور ماه به‌عنوان «روز ملی سینما» تصویب و از آن سال به بعد، این روز به بهانه‌ای برای بیان مشکلات پیش‌روی سینماگران و سینمای کشور و توجه افکار عمومی به این بخش در تقویم قرار گرفت.

اگرچه گاهی اظهارنظرهایی درباره بی‌اهمیت یا بی‌کارکرد بودن این روز مطرح می‌شد اما طبیعتا حضور نمادین «روز سینما» در میان صفحات تقویم کشوری که مدعی پرچم‌داری انقلاب فرهنگی در دنیاست، می‌توانست نشان از اهمیت «سینما» به‌عنوان ابزاری در جهت ایجاد سرگرمی سالم و همچنین پوشش مسائل استراتژیک برای مسئولان باشد.

اما شورای فرهنگ عمومی کشور، سال ۹۱ «روز سینما» را به همراه چندین مناسبت دیگر به ضمائم تقویم منتقل کرد و دبیر شورا در این‌باره توضیح داد: «به هر حال تقویم رسمی ما بیش از حد شلوغ شده بود و برای همین باید برخی مناسبتها را حذف و برخی را نیز به ضمایم منتقل می کردیم! روز سینما هم از جمله مواردی بود که به بخش ضمایم منتقل شد.»

پس از آنکه حذف «روز سینما» باعث اعتراض‌هایی در میان سینماگران شد، سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سال ۹۳ روز ملی سینما را به تقویم بازگرداند.

۲۱ شهریور ماه، روز سینما چند سالی هست که به تقویم بازگشته است اما ای کاش این روز را بهانه ای کنیم تا هر چه بیشتر به دغدغه‌ها و چالش‌های که سینمای ایران این روزها با آن مواجه است، بپردازیم و راه چاره‌ای برای آن بی‌اندیشیم.

سینمای ایران دخل و خرجاش جور نیست، راهی برای این معضل بیابیم و در شرایطی که خطر ورود هوش مصنوعی و عدم بروز رسانی سینماگران احساس می‌شود، فکر چاره‌ای بکنیم و امنیت شغلی آنها را که دغدغه همیشگی‌شان هست، جدی بگیریم.

آگهی موضوع ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره۱۴۰۲۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۱۸۹۸—۱۴۰۲/۰۴/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی بهمن آذر میر شتربانی فرزند ابراهیم بشماره ملی ۲۹۷۱۶۴۴۸۷۱ در ششدانگ یک قطعه زمین خالی از اعیان به مساحت ۸۹۰۱ متر مربع و با (وجود حقوق ارتفاقی) مجزی شده از پلاک ۹۶ فرعی از سنگ ۱۵ اصلی واقع در باز قلمه بخش ۱۲ گیلان ،که برای آن پلاک شماره ۱۹۳ فرعی در نظر گرفته شده خریداری از رسمی حاجیگل بخشایش باز قلعه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات مالک سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۲/۰۷/۰۵ م الف ۱۰۴۵

علی کاظمی پاکدل رئیس ثبت اسناد و املاک ۳۷۵۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۸۰۲۰۰۰ ۵۵۷۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاچای تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسحق حسن زاده شیخ زاهدی فرزند علی به شماره شناسنامه ۸۷ صادره از رودسر به شماره ملی ۲۶۹۱۴۸۲۹۳۴ در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۱۰.۴۴ متر مربع(قسمتی از پلاک۱۰۷ فرعی) به پلاک ۳۷۲۶ فرعی از ۳۱۱ اصلی واقع در قریه شیخ زاهد محله بخش ۲۹ گیلان از مالکیت رسمی سابق آقای رستم صمدیان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند و میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۲/۰۷/۰۵
م الف ۱۱۵۴

نرجس خلیلی نیای لیمودهی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک کلاچای ۳۷۵۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۸۰۲-۰۰۵۵۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاچای تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ارسلان رحیمیان هادی کیاشهری فرزند رستم به شماره شناسنامه ۴۲۰ صادره از رودسر به شماره ملی۲۶۹۰۳۹۶۳۵۱ در ششدانگ یک قطعه زمین مشجر به مساحت ۴۹۳/۲۹ مترمربع پلاک ۶۱۴ فرعی از ۳۳اصلی واقع در قریه هادیکیاشهر بخش ۲۹ گیلان خریداری شده از مورد نسق مالک آقای حاج رستم رحیمیان هادی کیا شهری نسق زارعی شماره ۲۱۴۷۲ مورخ ۵۲/۴/۴ دفترخانه ۶۶ کلاچای محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند و میتوانند از تاریخ انتشار اولین آنهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم۱۴۰۲/۰۷/۰۵م الف۱۱۷۶

نرجس خلیلی دنیای لیمودهی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک کلاچای ۳۷۵۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک املش
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره از هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک املش تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان صدور سند مالکیت بشرح ذیل محرز گردیده است :

قریه کشکلایه سنگ ۱۰۱ اصلی بخش ۲۹ گیلان

۱) آقای داریوش داداش پور فرزند علی صادره از املش به موجب رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۸۰۱۴۰۰۰۴۶۱ مورخ ۲۱ /۴/ ۱۴۰۲ در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب ساختمان به مساحت ۳۲۲۲/۳۷ مترمربع به پلاک ۱۶۶فرعی مجزی از پلاکهای ۱ و ۳۰ فرعی و غیره خریداری از مالک رسمی آقای قدرت اله کاظمی و شرکاء

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۲۱۷

تاریخ انتشارنوبت اول: روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۲
تاریخ انتشارنوبت دوم: روزچهار شنبه مورخ ۱۴۰۲/۷/۵

مهدی احمد خواه قاسم آبادی
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان املش ۳۷۷۷

اخطاریه دفترخانه

نام مخاطب: آقای اسماعیل قاسمی فرزند محمد اقامتگاه و آدرس: مجهول المکان – موضوع: نظر به اینکه خانم فاطمه حیدری فرزند سبهان با تسلیم حکم ثبت واقعه طلاق به شماره بایگانی ۰۱۰۱۶۲۵ مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ صادره از شعبه سوم دادگاه خانواده اهواز به این دفترخانه مراجعه و تقاضای ثبت واقعه طلاق را دارد لذا بدینوسیله از شما دعوت میشود تا ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ این اخطاریه در دفترخانه برای اجرای صیغه طلاق حاضر شوید . درصورت عدم حضور یا امتناع ، مطابق قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۲ واقعه طلاق ثبت خواهد شد./. آدرس دفترخانه: اهواز، دروازه، خرمکوشک، خ فاضلی ۳، مقابل پمپ بنزین – تلفن تماس ۳۲۲۶۷۶۵۸– ۰۹۱۶۱۱۳۰۱۴۴–۰۹۳۹۱۱۳۰۱۴۴

سردفتر ازدواج ۷۰ و طلاق ۱۱۷ اهواز– سید احمد حسینی

آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک ۳۱۵،۸۶۱۲مجزا شده از دولت اباد به علت عدم حضور مالک برای دومین بار منتشر میگردد:

چون تحدید حدود ششدانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۹۵،۱۰متر مربع به پلاک فوق الذکر واقع در قطعه ۲ بخش ۲۶ فارس بویراحمد علیا یاسوج بنا به درخواست اقای کامبیز معصومی فرزند یوسف تقاضای تحدید اختصاصی نموده وقت تحدید حدود از ساعت ۸ صبح روز۱۴۰۲/۷/۱۰ در محل وقوع ملک شروع و عملیات تحدید به عمل خواهد آمد،اینک بوسیله این آگهی از متقاضیان و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می شود که در موعد مقرر تعیین شده در محل حضور بهم رسانند،واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود بمدت ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد.

حسین فرخی–رئیس ثبت یاسوج
تاریخ‌انتشار:۱۴۰۲/۶/۲۱

آگهی فقدان مدارک خودروی سواری دوو اسپرو

شناسنامه مالکیت(برگ سبز)وکارت متعلق به خودروی سواری دوو اسپرو رنگ سفیدروغنی مدل ۱۹۹۲ به شماره پلاک۶۳ایران۷۱۷ط۹۵ به شماره موتور۱۱۵۴۰۴ وشماره شاسی۸۷۲۸۳۵ وبه شماره شناسه خودرو KRBA۹۲۱۷۱NR۸۷۲۸۳۵بنام قربان زارع شماره شناسنامه ۳ کدملی۵۴۶۹۷۹۸۸۲۸ مفقود گردیده اند واز درجه اعتبار ساقط می باشند

سند و برگ سبز سواری سمند مدل ۱۳۹۹رنگ سفید روغنی شماره پلاک ۴۲۳ب۹۷ ایران ۴۹ شماره موتور ۱۴۷H۰۵۳۳۷۸۶ شماره شاسی NAACR1HEXLF633186به نام حمید رضا روایی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۱۷۰۷ مورخ ۱۴۰۲/۵/۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه صحراگردسرابستانی فرزند ایوب بشماره شناسنامه ۰۰۱۶۹۸۶۸۰۶ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۱/۳۵ متر مربع در قسمتی از پلاک ۲۳۸۹ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۶۲۷ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم ملک تاج پاک طینت محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

۱۳۱۲۵ م الف
رئیس ثبت اسناد و املاک – خداداد بشیری
شناسه آگهی ۱۵۶۵۷۰۸

بدرقه شمس آقاجانی به خانه ابدی

مراسم تشییع پیکر شمس آقاجانی با حضور جمعی از شاعران و دیگر اهل قلم در خانه هنرمندان برگزار شد.

به گزارش ایسنا، مراسم تشییع پیکر این شاعر و منتقد ادبی روز دوشنبه، بیستم شهریور با خوانش شعری که آقاجانی برای رضا براهنی سروده بود و با صدای او آغاز شد.

در ادامه مراسم عباس حبیبی، مریم حسین‌زاده، هرمز علیپور، محمد آزرم، مظفر رویایی، کیمیا سعیدی، امیرمحمد تفتی، رویا تفتی و بامداد آقاجانی سخن گفتند.

ضایعه‌ای برای شعر ما

عباس حبیبی، از دوستان شمس آقاجانی در سخنانی در این مراسم گفت: این‌که شمس شاعری خوب و انسانی فرهیخته و با سعه صدر بوده، چیزی نیست که من بخواهم بگویم. فقدان او در ۵۵ سالگی، ضایعه‌ای برای شعر ماست.

او ادامه داد: بزرگانی چون شاملو، براهنی و رویایی، بهترین کارهای‌شان را در سنین بالا نوشته‌اند؛ ۵۵ تا ۶۰ سالگی دوره پختگی نویسنده و شاعر است که می‌تواند خود را به ادبیات معرفی کند اما این اتفاق برای شمس نیفتاد.

شمس با تمام وجود شاعر بود

مریم حسین‌زاده، شاعر و همسر محمد مختاری به عنوان سخنران بعدی مراسم در سخنانی گفت: هنوز باور این لحظه که این‌جا ایستاده‌ایم و ایستاده‌ام، برای همه ما سخت است، این‌که باور کنیم که باور نمی‌کنیم شمس آقاجانی کنار ما نایستاده که ایستاده است.

او با گفتن تسلیت به رویا تفتی و بامداد آقاجانی، ادامه داد: تسلیت به اهالی شعر و ادب و فرهنگ که شاعر و منتقدی را از دست دادند که هنوز حرف‌های تازه بسیاری داشت. هنوز بیشترین شعرهایش را نسروده بود. تأملات و تخیلاتش در جست‌وجوی نقد شعر معاصر نیمه‌کاره ماند. دریغا و دریغا...

حسین‌زاده سپس گفت: در طول سال‌ها نشست و برخاست با شاعران، ندیدم کسی این‌طور بی‌پیرایه با دل و جان هرآن‌چه آموخته و کشف کرده، یا درحال کشف آن است چنین با شور و هیجان در طبق اخلاص بگذارد و قسمت کند. شمس آقاجانی با تمام وجودش شاعر بود و عاشق کشف کلمه. با چشم‌ها و دست‌هایش شعر می‌خواند. معشوقش شعر بود و مخاطب اصلی شعر بود.

این شاعر سپس اظهار کرد: هنوز زود بود، خیلی زود بود که شمس نباشد و کارهایی را که قرار بود بکند، نکند. چگونه طاقت آوریم جوانمرگی شاعران خوبمان را؟ هر روز ادبیات و شعر یتیم‌تر می‌شود.

فقدانش زیانبار است

هرمز علی‌پور، شاعر نیز با تأکید بر این‌که به شدت عزادار است، گفت: برخی از شاعران علاوه بر شعر در جان آدمی نیز می‌نشینند، شمس از شاعرانی بود که فقدانش برای جامعه ادبی و شعری ایران سخت و زیانبار است. وقت رفتنش نبود اما ما وقت رفتن را تعیین نمی‌کنیم.

بازگشت شمس به شعر

محمد آزرم، شاعر و منتقد ادبی نیز در سخنانی مکتوب گفت: حرف زدن از «شمس آقاجانی» برای بدرقه و مشایعت پیکرش چیزی از سنگینی سوگش برای من کم نمی‌کند. شمس بر صحنه‌ای ظاهر شده که با آن آشنا بود، هر شاعر راستینی با مرگ آشناست. مرگی که دمادم و بی‌وقفه، در هر بار نوشتن شعر، وجود شاعر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و اکنون تمام وجود شمس را دربرگرفته است.

او با بیان این‌که درک فقدان شمس، کار ساده‌ای نیست، گفت: شمس نه از صحنه ناپدید شده و نه آن را ترک کرده است. کلماتش به ما می‌گوید من زنده مانده‌ام پس هستم. اگر دقت کنیم همه‌چیز آن‌جاست، در کلمات او، همه چیز به شکلی از شعر بازمی‌گردد. شعرش به ما می‌گوید من قادر به زنده ماندنم، قادر به بودن و زیستن، فقط پنهان شده‌ام. شمس با شعرش به ما می‌گوید زیستن، همچون مرگ، چیزی نیست که کسی آن را بیاموزد. تمام آنچه می‌توانیم انجام دهیم، ظهور و بروز توامان آن است. چون هر کسی وارد صحنه مرگ می‌شود خود را برای برداشتن قدمی به ماوراء آماده کرده است و هر بازمانده‌ای که موقتا زنده مانده، باید غیبتِ از دست‌رفته را طاقت بیاورد.

آزرم سپس گفت: بخشی از زندگی شعر پسامدرن فارسی در شکل شعر شمس آقاجانی که مسیری بلند و پرمایه از خود زیستمند آن است امروز پایان یافته تا در حکم محتوای زبان فارسی باشد.

داغدار مضاعفم

رویا تفتی، شاعر و همسر شمس آقاجانی هم در سخنانی گفت: این اتفاق سریع افتاد و هنوز در شوک هستم. من داغدار ساده نیستم بلکه داغدار مضاعفم؛ داغدار همسرم، داغدار پدر فرزندم و داغدار ادبیات هستم. من داغدار چندگانه‌ام و نمی‌دانم چه فریادی بزنم و چه باید بکنم.

او سپس از آشنایی و ازدواج و مسیری که طی کرده بودند گفت و اظهار کرد: شمس پس از بازنشستگی خوشحال بود که دستش باز شده و می‌تواند بنویسد. من هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم که شمس قبل از من برود و یکی از آرزوهایم این بود که شمس بعد از من برود زیرا راوی بهتری بود و بهتر از من می‌توانست در سوگ من حرف بزند. این اتفاق فاجعه بزرگی بود، نمی‌دانم چه بگویم. تماس هیچ مجله و روزنامه‌ای را رد نمی‌کرد. او چرک‌نویس نداشت زیرا ذهنش منسجم و پخته بود، می‌نوشت اما ویرایش نمی‌کرد.

تفتی با اشاره به این‌که جلد سوم از مجموعه رمز دهان او مجور گرفته و دو مجموعه چاپ‌نشده نیز دارد، گفت: من هنوز فرصت نکرده‌ام تا لپ‌تاپ او را باز کنم و ببینم کار دیگری دارد یا نه، اما می‌دانم زحمت ویرایش بر آثارش را بر روی دوش ما نینداخته است. ضایعه وحشتناکی بود. خیلی بی‌معرفتی کرد و زود رفت، نمی‌دانم می‌توانم ببخشم یا نه. به همه‌مان تسلیت می‌گویم.

مراسم تشییع پیکر شمس آقاجانی با حضور افرادی همچون رویا تفتی (شاعر و همسرش)، هرمز علی‌پور، حافظ موسوی، شهاب مقربین، حسین سناپور، محمد آزرم، کامیار عابدی، علیرضا آدینه، هادی حسینی‌نژاد، رضا عامری، محمد آشور، علی قنبری، فرخنده حاجی‌زاده، فرهاد عابدینی، آیت دولتشاه، کاوه فولادی‌نسب عباس حبیبی بدرآبادی، پوریا سوری، حجت بداغی، محسن بوالحسنی، علیرضا بهنام، اعظم کیان‌افراز و محمود معتقدی همراه بود.

شمس آقاجانی متولد سال ۱۳۴۷، شاعر و منتقد ادبی و از شاگردان کارگاه رضا براهنی در دهه ۷۰ بود که روز جمعه (۱۷ شهریورماه) به دلیل عوارض کرونا از دنیا رفت.

«سخن رمز دهان»، «مخاطب اجباری»، «درس‌های ادبی»، «چرا آخرین درنا بازمی‌گردد»، «راوی دوم شخص» و «گزارش ناگزیری» از آثار این شاعر و منتقد ادبی است.